

تأثیر کودتای نافرجام بر سیاست خارجی ترکیه

دکتر محمدعلی قاسمی*

اشاره:

تغییرات سریع در روابط ترکیه با اسرائیل و روسیه و وعده بن علی بیلدریم، نخست‌وزیر مبنی بر تلاش حکومتش برای افزایش تعداد دوستان حکومت در منطقه و داخل کشور سؤالات متعددی درباره علل و زمینه‌های این تحول برانگیخته و به نظر می‌رسد انزوای ترکیه در منطقه، تشدید بحران‌های امنیتی در داخل و خارج (به ویژه از ناحیه شمال سوریه) و ضررهای اقتصادی ناشی از قطع روابط و تنش موجب این تغییر دیر هنگام ولی برق‌آسا شده است. در ادامه استدلال خواهد شد که کودتای نافرجام اواسط تیرماه ۱۳۹۵، به رغم تأثیر جدی احتمالی بر سیاست داخلی، در سیاست خارجی و تداوم خط‌مشی فعلی تأثیر مهمی نخواهد داشت.

مقدمه

از آغاز کار حکومت عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۳، تصور بر این بوده که احمد داووداوغلو، معمار پشت پرده سیاست خارجی این کشور بوده است. از سال ۲۰۰۹ که وی مستقیماً متصدی مقام وزارت خارجه ترکیه شد، ایده «تنش صفر با همسایگان» را مطرح ساخت، اما به زعم ناظران، گویی وی و اردوغان در عمل، سیاست خارجی این کشور را به سمت تنش با همه همسایگان سوق داده‌اند. روابط با اسرائیل که پس از اقدام اردوغان مبنی بر ترک جلسه با شیمون پرز در داووس سوئیس تیره بود، با حمله کماندوهای اسرائیلی به کشتی ماوی مرمره در ماه مه ۲۰۱۰ و قتل ۹ شهروند ترکیه به پایین‌ترین سطح رسید و ترکیه سه شرط عذرخواهی بابت این حمله و قتل

شهروندان، پرداخت غرامت به بازماندگان و ختم محاصره غزه را برای از سرگیری مناسبات دو کشور مطرح ساخت. همراه با حوادث بهار عربی و حمایت کامل اردوغان و حکومت عدالت و توسعه از حکومت محمد مرسی در مصر، معضل دیگری در سیاست خارجی این کشور پدیدار شد، زیرا پس از کودتای عبدالفتاح سیسی و محاکمه مرسی، روابط دو کشور قطع شد و ترکیه حکومت جدید مصر را کودتا خواند و به رسمیت نشناخت. در بحران سوریه نیز ترکیه -ظاهراً با گزارش غیردقیق سازمان اطلاعاتی این کشور مبنی بر سقوط قطعی بشار اسد در کمتر از شش ماه- به مقابله علنی با حکومت بشار اسد برخاست و از گروه‌های گوناگون مخالف اسد حمایت کرد و در عمل هم به کریدور انتقال سلاح و کمک غربی‌ها و بعضی کشورهای عربی به مخالفان سوری مبدل شد. در عین حال، تطویل بحران و ورود نیروهای جدید به جنگ داخلی، مشکلات ترکیه را مضاعف ساخت. حضور و قدرت‌گیری حزب پی‌د^۱ که شعبه سوری پ‌ک‌ک^۲ محسوب می‌شود، باعث ایجاد منطقه تحت سلطه و اداره این گروه مخالف حکومت ترکیه شد. نتیجه آنکه کریدورهای جدیدی برای انتقال سلاح و افراد مسلح

1. PYD
2. PKK

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

را هم بیفزاییم، می‌توان میزان بالای تنش و تقابل در سیاست خارجی ترکیه را در نظر آورد.

کناره‌گیری داوداوغلو و تحول در سیاست خارجی

در باب علل استعفای داوداوغلو دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد که مجال بحث آنها در اینجا نیست، اما به نظر می‌رسد تصدی منصب نخست‌وزیری توسط بن‌علی ییلدریم تحرک مهمی را در سیاست خارجی ترکیه موجب شده است. از یک سو، مذاکرات با اسرائیل که مدت‌ها متوقف مانده بود به سرعت خاتمه یافت و دو کشور برای مبادلهٔ سفرا آماده می‌شوند. از طرف دیگر، با نامهٔ اردوغان به پوتین، چرخشی در روابط خارجی دو کشور به وجود آمد. با آنکه رسانه‌های طرفدار حکومت ترکیه مدعی‌اند نامه حاوی اظهار تأسف بوده و در آن تنها از خانوادهٔ خلبان مقتول عذرخواهی شده، رسانه‌ها و حکومت روسیه از آن به عذرخواهی رسمی تعبیر و از گرامت -ظاهراً به میل خانواده خلبان مقتول- صرف‌نظر کرده‌اند و گشایش‌های مهمی در مناسبات دو کشور به وجود آمد؛ توریست‌های روسی مورد استقبال قرار گرفتند و حتی از قول مولود چاوش‌اوغلو وزیر خارجه ترکیه نقل شد که می‌توان با روس‌ها در پایگاه اینجریلیک جهت اقدام علیه داعش همکاری کرد. گرچه خبر تکذیب شد، اما نشان از چرخش جدی داشت.

با آنکه بهبود کامل روابط با هر دو کشور، نیاز به زمان و اعتمادسازی دارد، اما مصمم‌بودن، بن‌علی ییلدریم را به ترسیم روابط و تغییر سیاست، از اظهارات وی در

به خاک ترکیه، باز و کمپ‌های آموزشی برای پ‌ک‌ک و احیاناً گروه‌های تروریست چپ‌گرای افراطی ترکیه تأسیس شد. نتیجه این وضع، جنگ خونین و حملات تروریستی در خاک ترکیه به ویژه در یک سال اخیر بوده است. از طرف دیگر ورود روسیه به بحران سوریه در پاییز گذشته و ساقط کردن جنگندهٔ روسی در آذرماه ۱۳۹۴ ابعاد جدیدی در روابط خارجی بحرانی ترکیه گشود. دولت روسیه روابط اقتصادی با ترکیه را به حالت تعلیق در آورد، ورود محصولات کشاورزی ترکیه را متوقف کرد، از فعالیت شرکت‌های ترکیه در روسیه ممانعت کرد، اجازه پرواز چارتر برای توریست‌های روسی به مقصد ترکیه نداد و اصلاح روابط را منوط به عذرخواهی ترکیه و پرداخت غرامت و مجازات عاملان این اقدام کرد. گذشته از این، روسیه با دستگاه تبلیغاتی و نفوذی که در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل دارد، تردیدهایی را که در زمینه روابط ترکیه با داعش وجود داشت، مورد استفاده قرار داد و تلاش کرد این کشور را به عنوان حامی داعش و ساختاری «تروریست‌پرور» نشان دهد. این امر فشار افکار عمومی جهانی بر ترکیه را تشدید کرد. از طرف دیگر، روسیه با استقرار سیستم‌های دفاعی موشکی در سوریه، عملاً میدان مانور ترکیه در این کشور را بسیار کاهش داد. ادعاهایی هم مبنی بر اینکه روسیه ضمن کمک به پ‌ک‌ک، سلاح‌هایی در اختیار پ‌ک‌ک قرار داده است، گفته شده است. برای مثال، هلی‌کوپتری که توسط موشک دوش پرتاب، به دست نیروهای پ‌ک‌ک در جنوب ترکیه سقوط کرد، عملیاتی حاصل از دریافت سلاح مزبور بوده و تخمین زده می‌شود که حدود پنجاه عدد از این سلاح‌ها در اختیار پ‌ک‌ک باشد؛ سلاح مزبور ساخت روسیه است.

از سوی دیگر، همکاری ترکیه با جریان‌های سنی عراق و بهبود روابط با اقلیم کردستان، ظاهراً با هدف مقابله با نفوذ گستردهٔ ایران بر شیعیان در عراق، به تیرگی روابط دو کشور منجر شد و حضور نیروی نظامی ترکیه در پایگاه بعشقه در شمال عراق، تنش در روابط دو کشور را در یک سال اخیر به اوج رسانده است. اتهامات مربوط به نزدیکی با داعش، شائبه‌های مربوط به سرکوب دستگاه قضایی و مطبوعاتی آزاد، عکس‌العمل‌هایی در اروپا و آمریکا برانگیخته و ایده «اتوریته‌شدن» دستگاه سیاسی اردوغان و تلاش وی برای ایجاد دیکتاتوری و حکومت فردی را دامن زده است. اگر به این مسئله اختلافات -عمدتاً در سطح دیپلماتیک- با ایران و سایر همسایگان

مانع محکومیت کودتای نافرجام ترکیه شده، دشواری‌هایی در این راه به وجود آمده است. در عین حال، حکم اعدام مرسی همچنان مانع مهمی است. به هر حال، سؤالی که در ذهن هر تحلیل‌گر مسائل منطقه جان می‌گیرد، دلیل این چرخش برق آسا است.

علل چرخش در سیاست خارجی ترکیه

بسیاری از تحلیل‌گران مخالف اردوغان معتقدند وی به دنبال بلاگردانی برای خلاصی از مشکلات پدید آمده است و احمد داووداوغلو قربانی شده تا روابط آسیب‌دیده ترکیه اصلاح شود، این کشور از انزوای خارج شده و بیش از این متحمل مشکلات اقتصادی نشود. می‌توان دلایل متعددی برای عادی‌سازی روابط ترکیه با هر یک از کشورهای مذکور ذکر کرد، اما در مجموع سه دلیل اصلی و کلّی قابل تشخیص است: انزوای ترکیه و چهره بین‌المللی حامی داعش که از آن ترسیم شده است؛ بحران کردی و قدرت‌گیری پی‌د و پ‌ک‌ک در شمال شرق سوریه و تفاوت شخصیت ییلدریم و داووداوغلو.

با آنکه سیل آوارگان سوری - که اینک حدود دو میلیون و هفتصد هزار تن برآورد می‌شوند - و تحریم‌های روسی بر اقتصاد ترکیه بی‌اثر نبوده، اما اقتصاد در این کشور رشد خوبی داشته و بالاتر از متوسط اروپایی بوده و تعجب تحلیل‌گران اقتصادی را هم به دنبال داشته است. بنابراین، بیش از دلایل اقتصادی باید توجه کرد که انتقادات بین‌المللی از ترکیه به دلیل اغماض نسبت به فعالیت‌های گروه‌های افراطی یا احیاناً حمایت از آنها و ادعای خرید نفت از داعش و نظایر آن، وجهه این کشور را تخریب کرده و این تحول برای ترمیم آن چهره بوده است.

از سوی دیگر معضل کردی، مسئله‌ای حیاتی برای آنکاراست. تصور شکل‌گیری حکومتی مستقل یا فدرال در شمال سوریه به دست اعضای پ‌ک‌ک/ پی‌د کابوسی برای آنکارا محسوب می‌شود. دعوی وجود روابط بین کردها و اسرائیل و تأسیس دفتر پی‌د در مسکو، تبلیغات قوی طرفداران این گروه‌ها در اروپا و آمریکا، حمایت تقریباً قاطع آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از پی‌د در سوریه و وجود تلاش‌هایی برای خارج کردن پ‌ک‌ک از لیست گروه‌های تروریستی در کشورهای اروپایی، نگرانی آنکارا را بیشتر تشدید می‌کند. در اینجا است که ترکیه احساس می‌کند حکومت اسد در هر حال بر تجزیه سوریه و تسلط پ‌ک‌ک بر شمال این

اوائل تیرماه می‌توان به سهولت استخراج کرد. وی ضمن اشاره به عادی‌سازی روابط با اسرائیل و روسیه، اظهار داشت: «گسترش روابط با عراق، سوریه و تمام همسایگان در اطراف مدیترانه و دریای سیاه هدف مهم و غایی ماست. مطمئنم که می‌توانیم روابط با سوریه را هم عادی کنیم. برای مبارزه با تروریسم بازگشت ثبات به عراق و سوریه لازم است». گرچه اندکی بعد ییلدریم در مصاحبه با بی‌بی‌سی، اسد را مشکل سوریه دانست و نشان داد که در مواضع عدالت و توسعه نسبت به شخص اسد تغییری رخ نداده، اما موافقت با حضور اسد در حکومت انتقالی و حتی شایعاتی دال بر میانجی‌گری ایران بین سوریه و ترکیه هم نشان‌دهنده تغییری محسوس در نگاه ترکیه به سوریه است. ادعا می‌شود که دوغو پرنچک رهبر حزب وطن - از احزاب سوسیالیست و ناسیونالیست ضد آمریکایی و نسبتاً کوچک در ترکیه - چندین بار با اسد دیدار کرده و نتایج را به مقامات نظامی و سیاسی ترکیه انتقال داده است که از جهات مختلفی امری عجیب به نظر می‌رسد. پرنچک مدعی شده اسماعیل حقی پکین، ژنرال بازنشسته ارتش ترکیه نیز با مقامات امنیتی و سیاسی سوریه دیدار کرده است. در خصوص مصر هم ادعاهایی وجود دارد مبنی بر اینکه در آینده نزدیک هیأتی از حزب عدالت و توسعه رهسپار مصر خواهند شد. دولت مصر و احمد ابوزید وزیر خارجه هم از اظهارات مقامات ترکیه استقبال کرده، ولی تغییر روابط را به قبولی انقلاب ۳۰ ژوئن (کودتای سیسی) و «اراده مردم مصر» منوط دانسته‌اند. با توجه به شایعاتی که مدعی‌اند مصر به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت



کشور ترجیح دارد و حتی پرینچک از قول اسد نقل کرده که وی هم پی‌د را گروهی تجزیه طلب و تروریستی می‌داند. با این حال، چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سیاست سوری اردوغان باعث شوک و تعارض در هواداران و متحدان ترکیه خواهد شد، زیرا گروه‌هایی از معارضان سوری (مانند احرار الشام و گروه‌های ترکمن) هنوز تحت حمایت این کشورند. چرخش داعش علیه ترکیه و اجرای چندین عملیات انتحاری جدی در این کشور هم از دلایل این تحول سیاسی می‌تواند محسوب شود.

از درخواست برکناری هاکان فیدان رئیس میت (سازمان اطلاعات ترکیه) صرف نظر کرد. به نظر اسرائیل، رئیس میت روابط نزدیکی با ایران دارد. در روابط با اسرائیل احتمال تلاش ترکیه برای ارتقای روابط با آمریکا هم مطرح شده که احتمال ضعیفی است، اما بعد انرژی‌ک روابط را نباید نادیده گرفت. با کشف میادین تمار (۲۰۰۹) و لویاتان (۲۰۱۰) در مدیترانه با ذخایر حدوداً ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز، اسرائیل به عرضه کننده گاز مبدل شده و با کشف میدان بزرگی در شمال مصر، طرح فروش گاز به مصر متوقف شده است. از این رو، فروش گاز به ترکیه و یا انتقال آن از مصر و ترکیه به اروپا مد نظر قرار گرفته است. ترکیه هم به دنبال متنوع سازی منابع انرژی خود است. البته اسرائیل با قبرس و یونان هم مذاکراتی داشته است. ایده کمک گرفتن به ویژه در عرصه تکنولوژی نظامی از اسرائیل برای مقابله به پک‌ک نیز از علل بهبود روابط ذکر شده، اما با توجه به تجارب سابق، این علت را نمی‌توان جدی دانست.

در خصوص روابط با روسیه، بی‌شک عنصر اقتصادی حائز اهمیت است، اما خروج از انزوا و اتهامات را هم باید مهم دانست. ضمن آنکه در قضیه سوریه، دولت روسیه فاکتور تعیین کننده‌ای شده و آینده سوریه هم برای امنیت ترکیه حیاتی است. بنابراین، بعضی محققان، تحول سیاست ترکیه را تغییر از جهت گیری ایدئولوژیک به جهت گیری امنیتی خوانده و مدعی‌اند که روابط داعش و دولت ترکیه نه فقط بر دشمن مشترک (اسد) بلکه بر شباهت ایدئولوژیک آن دو هم مبتنی است.

بعضی محققان، تحول سیاست ترکیه را تغییر از جهت گیری ایدئولوژیک به جهت گیری امنیتی خوانده و مدعی‌اند که روابط داعش و دولت ترکیه نه فقط بر دشمن مشترک (اسد) بلکه بر شباهت ایدئولوژیک آن دو هم مبتنی است.

در خصوص تأثیر شخصیت باید گفت که بن‌علی بیلدیریم یک تکنوکرات موفق در دولت‌های اردوغان بوده و خلق و خوی یک تکنوکرات را دارد. به عبارت دیگر، اهل همکاری، تساهل، چاره‌جویی جمعی و... است. در مقابل، داوداوغلو یک سیاست‌مدار بود که بیشتر با ذهنیت و پارادایم‌ها، سر و کار داشت و همین مصلحت‌جویی و عمل‌گرایی بیلدیریم، او را منعطف‌تر از داوداوغلو و حتی اردوغان می‌سازد.

درباره عادی سازی روابط ترکیه و اسرائیل همین رویکرد مؤثر واقع شد؛ هر دو طرف از بعضی مواضع خود عقب نشستند؛ اسرائیل به محاصره غزه پایان نداد اما اجازه داد که کمک‌های ترکیه تحت کنترل اسرائیل به غزه برسد و امتیازات محدودی که غزه دریافت می‌کرد با استقبال نسبی حماس هم مواجه شد. اسرائیل

کودتای نافرجام و تأثیر آن بر تحول سیاست خارجی ترکیه

شب ۲۵ تیرماه (۱۵ جولای) عده‌ای از افراد ارتش ترکیه با حمله به مراکز حساس استانبول و آنکارا، بازداشت مقامات عالی نظامی، مرکز رادیو و تلویزیون دولتی را به اشغال خود درآورده و وقوع کودتا و پایان حکومت اردوغان را اعلام کردند. اردوغان و بیلدریم بلافاصله عکس‌العمل نشان داده و حرکت را عصیان خواندند و مردم را به خیابان‌ها دعوت کردند. با حضور مردم کودتاچیان ضمن درگیری، بمباران مراکز حساس و مجلس ملی با هواپیماهای نظامی که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد، به ارباب پرداختند. کنترل نسبتاً سریع کودتا باعث شد در باب ماهیت آن اختلاف نظر پدید آید. مخالفان ضمن اشاره به تأثیر شکست کودتا بر محبوبیت اردوغان و افزایش قدرت و نفوذ او، اقدام به کودتا را ساختگی دانسته و آن را سناریویی برای سیطره بر قدرت برآورد کردند. با این حال به نظر می‌رسد که کودتای مزبور واقعی بوده و تنها به چند دلیل ساده با شکست مواجه شد. نخست اینکه افراد دخیل در کودتا فرماندهان رده‌های میانی بودند و معدودی سرهنگ و درجات بالاتر در بین آنها دیده می‌شد. اینان نتوانسته بودند فرماندهان خود را قانع کنند و لذا تنش‌ها و درگیری‌هایی بروز کرده بود و این امر موجب افشای نقشه شد، به طوری که اومیت دوندار از فرماندهان عالی‌رتبه ارتش به اردوغان اطلاع می‌دهد که هتل محل اقامت‌ش در مارماریس مورد هجوم قرار خواهد گرفت. اندکی بعد از خروج اردوغان، هتل مورد حمله کماندوها و بمباران هواپیماها قرار می‌گیرد. دوم اینکه

در اسناد به دست آمده از کودتاچیان، زمان شروع عملیات ساعت ۳ شب بوده و کودتاچیان مجبور به شروع زود هنگام آن شده‌اند و چون در این ساعات هنوز مردم عادی در خواب نبوده‌اند، به دعوت اردوغان و احزاب مخالف دولت پاسخ داده و به خیابان‌ها ریختند. به نظر می‌رسد کودتاچیان تصور دیگری داشتند و گمان می‌بردند مردم خسته از اردوغان، از آنان استقبال خواهند کرد. سوم اینکه تلویزیون‌ها و رسانه‌های جمعی هم به مخالفان کودتا پیوستند و تلاش ارتش برای بمباران ایستگاه ماهواره ترک‌ست به دلیل ساقط کردن هلی کوپتر توسط نیروهای وفادار به دولت ناکام ماند. بنابراین، شکاف در ارتش، حمایت مردم، احزاب و رسانه‌ها از دولت منتخب و مقاومت مردم در مقابل کودتاچیان که ستایش جهانی را برانگیخت (به شکل کشیک برای دموکراسی)، علل شکست کودتا به شمار می‌آیند.

حکومت از ابتدا، طرفداران فتح‌الله گولن را عامل کودتا دانسته است. پرداختن به ابعاد و فعالیت‌های این جماعت شبه‌مذهبی مجال وسیعی می‌طلبد. صرفاً اشاره می‌شود که به نوشته ده‌ها تحلیل‌گر مسائل ترکیه این گروه در ارتش، نیروهای انتظامی و ژاندارمری و به ویژه رده‌های مختلف قوه قضاییه و شرکت‌های بزرگ اقتصادی نفوذ دارد و از آنجا برای سرنگونی اردوغان تلاش می‌کند. همین تلقی باعث شد فهرست افراد منتصب به این گروه‌ها به لیست افراد تحت بازداشت مبدل شود. البته فهرست چهارصد نفری مقامات حکومتی کودتای نافرجام و بسیاری مدارک دیگر هم به این امر کمک کرده است. دیدگاه شایع در ترکیه آن است که این کودتا بدون چراغ سبز آمریکا امکان اجرا نداشت، زیرا غیر از آنکه فتح‌الله گولن در آمریکا اقامت دارد، رسانه‌های آمریکایی اخبار کودتا را به نحوی مخبره می‌کردند که گویی به نتیجه قطعی رسیده و حتی شایعه پناهندگی اردوغان به آلمان را منتشر و طرفداران حکومت در خیابان‌ها را طرفداران کودتاچیان معرفی کردند. در یک اقدام عجیب، سایت استرانفور به صورت آنلاین مسیر هواپیمای اردوغان از مارماریس به استانبول را نشان می‌داد، امری که به کار کودتاچیان می‌آمد و در نقشه آنان اردوغان باید به قتل می‌رسید. دولت آمریکا هم به صورت دیر هنگام و به شکلی مبهم نسبت به کودتا عکس‌العمل نشان داد.

به هر حال، در جریان کودتا بیش از دویست تن از مخالفان و ۲۴ کودتاچی جان باختند؛ حدود ۱۵۰۰ تن مجروح شدند؛ بیش از



هفت هزار تن دستگیر شده؛ بیش از دو هزار قاضی عزل گردیده؛ هزاران پلیس و مقام دولتی در وزارت کشور معزول شدند؛ ضمن آنکه پس لرزه‌ها و تعقیب قضایی و پلیسی همچنان ادامه دارد. به نظر می‌رسد شکست کودتا به دلایل مختلف به سود ایران بوده است: نخست حکومت تأسیسی کودتاچیان در صورت پیروزی، قطعاً نزدیکی بیشتری با آمریکا داشت. در این رابطه استدلال می‌شود که غرب و آمریکا قصد داشته و دارند تا اردوغان را به دلیل عدم تبعیت از نظرات خود مجازات کنند. دوم، آشفتگی و بی‌ثباتی در ترکیه بر کل منطقه و از جمله ایران تأثیرات منفی دارد، به عنوان نمونه کنترل این کشور بر مرزها و عبور و مرور تروریست‌ها کمتر خواهد شد. سوم، جریان فتح‌الله گولن، اساساً روحیه و گرایش ضدایرانی دارد. برای مثال در کیفرخواستی که دادستانی ترکیه علیه گروه گولن، تهیه کرده وی از ایران، به عنوان دمل چرکین و دشمن اسلام یاد کرده است؛ در سریال‌های تلویزیونی این گروه هم ایران، دشمن اسلام و ترکیه ترسیم می‌شود. در چند سال اخیر، این گروه توسط قضات و دادستان‌های نزدیک به خود، چندین پرونده ساختگی علیه ایران را به جریان انداخته بود که با برکناری آن قضات، پرونده‌ها عقیم ماند. هماهنگی گروه در عامل ایران نامیدن هاکان فیدان با اسرائیل هم جالب توجه است. حال آنکه روابط ایران و ترکیه به رغم مواضع متضاد دو کشور در قضایای سوریه، به صورت چندبُعدی تداوم یافته و این حکایت از پختگی دستگاه دیپلماسی دو کشور در قیاس با بسیاری از کشورهای منطقه دارد. مواضع به موقع و مناسب دکتر ظریف و تماس مکرر وی با چاوش اوغلو در شب کودتا، بی‌شک روابط را با ثبات تر و محکم تر خواهد کرد. مواضع جدید ترکیه در قبال عراق و سوریه هم، ایران و متحدان منطقه‌ای آن را خرسند نموده و با توجه به رفتار بعضی کشورهای عربی در قبال کودتا، نزدیکی بیشتری با ایران و عراق و احتمالاً سوریه را موجب خواهد شد.

در صحنه سیاست داخلی، بی‌تردید اردوغان موقعیت قوی‌تری خواهد یافت و فرصت خواهد داشت جریان گولن را تصفیه کند. به همین دلیل هم بود که اردوغان کودتا را موهبتی بزرگ خوانده است. در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نیز با توجه به شکست کودتا، به نظر می‌رسد ترکیه روابط نه چندان خالی از تنش با آمریکا را در پیش خواهد داشت و تعارضات در قضایای مربوط به استرداد گولن و بحران سوریه تداوم پیدا می‌کند؛ کما اینکه ترکیه پایگاه

اینجریلیک را بعد از کودتا بست. این عوامل نشان می‌دهد احتمالاً فرایند عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه‌ای و نزدیکی به ایران و روسیه ادامه خواهد یافت و جریانی که با انتخاب بن‌علی ییلدریم آغاز شده، همچنان تداوم خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار استدلال شد که انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای و اتهامات مختلف دال بر حمایت یا همراهی با گروه‌های رادیکال و تروریستی و مهم‌تر از همه داعش، بحران کردی در داخل ترکیه و قدرت‌گیری پ‌ک‌ک و شعبه آن در شمال سوریه و احتمال تأسیس دولت مستقل یا فدرال در آن مناطق، مشکلات اقتصادی و تجاری و کارا کتر متفاوت دو شخصیت ییلدریم و داود اوغلو، موجب چرخش در سیاست خارجی ترکیه شده و با توجه به شواهد و قراین بهبود روابط و عادی‌سازی مناسبات با سایر کشورهای منطقه، احتمالاً به شکل آهسته و پیوسته، تداوم خواهد یافت. از آنجا که کودتای ۲۵ تیرماه ناکام ماند و تغییری در حکومت رخ نداد، احتمالاً تأثیر مهمی بر سیر سیاست خارجی ترکیه و تداوم تنش‌زدایی نخواهد داشت؛ امری که احتمال می‌رود ترکیه را به ایران و روسیه بیش از پیش نزدیک خواهد کرد و در مقابل، احتمالاً مناسبات ترکیه با آمریکا و اروپا خالی از تنش و تعارض نخواهد بود.

